

تورم اقتصادی و رخنه معیشتی در فضاهای پیراشهر بیرجند

محمد حجی پور^{۱*}، طاهره رضائی^۲، محمود فال سلیمان^۳

۱. استادیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

۳. دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۳

اطلاعات مقاله چکیده

یکی از چالش‌های همیشگی و تشدید شده در برابر نظام سیاسی و مدیریتی ایران تورم بوده است. تلاش‌های زیادی تاکنون برای شناسایی علل آن و همچنین فائق آمدن بر آن از جانب محققین و دست‌اندرکاران نظام اجرایی این کشور صورت گرفته است؛ در این میان، درک عواقب و پیامدهای تورم در ابعاد مختلف فضاهای جغرافیایی از کوشش‌هایی خطیری است که می‌تواند به تدوین برنامه‌های کاربردی برای مواجهه عقلانی با شرایط تورمی منجر شود. سکونت‌گاه‌های پیراشهری و تحولات آن، عرصه مشهودی برای رخنمود فضایی تورم در هر منطقه‌ی جغرافیایی است. بدینسان مقاله پیش رو به بررسی و تحلیل اثرات تورم اقتصادی بر معیشت سکونتگاه‌های پیراشهر بیرجند پرداخته است. جامعه آماری شامل سکونت‌گاه‌های پیراشهری بیرجند بوده که از مجموع آن ۹۵ خانوار به‌عنوان نمونه انتخاب گردیده و به روش تصادفی انتخاب شده‌اند. این تحقیق توصیفی تحلیلی است که در بررسی‌ها از دو روش اسنادی و پیمایشی استفاده شده است. نتایج نشان داد تورم سال‌های ۱۴۰۱-۱۳۹۷ با اثرگذاری بر بعد مالی سبب شده تا رخنه‌ای اساسی در سرمایه‌های معیشتی ساکنین بوجود آورد. به طوری که منجر شده تا پس‌انداز خانوارها به شدت کاهش یافته و از سوی دیگر شاهد افزایش بدهی هر خانوار باشیم. از این رو تعداد زیادی از خانوارها برای جبران بار مالی تورم بر اقتصاد خانوار، جابجایی فضایی از شهر بیرجند به مقصد پیراشهر را برگزیده‌اند. همچنین اختلاف اثر تورم بر میانگین کلی ابعاد معیشت پایدار بین روستاهای مختلف نیز معنادار بوده که بیان‌گر تفاوت مکانی اثر تورم بر خدشه معیشت پایدار فضا است.

دوره ۴، شماره ۱۲، تابستان ۱۴۰۲
صص ۴۷-۶۰
مقاله پژوهشی

کلید واژه‌ها: تورم، معیشت پایدار، اقتصاد محلی، پیراشهر، بیرجند.

مقدمه

از نظر اقتصادی، تورم^۱ افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در یک بازه زمانی یا به طور مستمر و بی رویه است (جعفرزاده و اکبری فرد، ۱۳۹۱: ۳۲۰). براساس گزارش‌های مرکز آمار ایران در بهمن ماه ۱۴۰۱ نیز نرخ تورم ماهانه در کشور ۳/۵ درصد بود و نرخ تورم ۱۲ ماهانه منتهی به بهمن ماه ۴۷/۷ درصد است که برای خانوارهای ساکن در مناطق روستایی به ۵۱/۷ درصد رسید این درحالیست که نرخ تورم ماهانه برای خانوارهای ساکن در استان خراسان جنوبی ۴/۴ درصد و نرخ تورم ۱۲ ماه منتهی به بهمن ۱۴۰۱، ۴۷/۶ درصد و در مناطق روستایی ۴۷/۹ درصد رسید که نشان از کاهش حدود ۴ درصدی کاهش نرخ تورم در مناطق روستایی استان نسبت به مناطق روستایی کشور دارد.

در اقتصاد ایران تورم بالا و مستمر به‌عنوان یک معضل ساختاری دارای پیامدهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی گسترده‌ای است (باقرپور و شاکری، ۱۴۰۰). در شرایط زمانی کنونی تورم یکی از مهم‌ترین مسائل مرتبط با اقتصاد کلان است. این شاخص اقتصادی برای افراد جامعه به طور مستقیم لمس شدنی است و ارتباط مستقیمی با سطح رفاه مردم و فعالیت‌های فعالان اقتصادی دارد؛ تاکنون از اهم پیامدهای بروز تورم اقتصادی در جامعه به مواردی از قبیل کاهش قدرت خرید واحد پول، رشد بی رویه قیمت ارز، کاهش قدرت پیش‌بینی، بی اعتمادی نسبت به آینده، جلوگیری از دوراندیشی، سودآورتر نمودن بورس بازی از تولید، تغییر در قشربندی اجتماعی، تقطیع نمودن بافت روابط پایدار اقتصادی، تغییر نگرش به دنیا، سقوط فقرا و قشر حقوق‌بگیر، رشد بی عدالتی، گسیل داشتن انسان‌های به سوی راه حل‌های نومیدانه و فرسایش (نابودی تدریجی) سرمایه می‌توان اشاره داشت (عظیمی و میر، ۱۳۹۰: ۱۲۵؛ هازلیت، ۱۳۹۱: ۲۲۱؛ افراسیابی و بهارلویی، ۱۳۹۹: ۲۸؛ Jongrim, et al., 2019). بدین سان می‌توان دریافت که تورم اقتصادی بر انواع سرمایه‌های موجود در فضای جغرافیایی به ویژه سرمایه‌های معیشتی تاثیرگذار است.

عده‌ی کثیری از مردم به ویژه فقرا دسترسی محدودی به دارایی‌ها (انواع سرمایه) دارند، لیکن آنها به دنبال راه و روش‌هایی هستند که بتوانند این دارایی‌های محدود را با هم ترکیب کنند و به صورت مبتکرانه‌ای زندگی خود را ادامه دهند. دارایی‌ها به روش‌های گوناگون مختلف طبقه‌بندی شده است که برجسته‌ترین آن شامل سرمایه‌های انسانی، اجتماعی، طبیعی، فیزیکی، مالی و سیاسی یعنی بن‌مایه‌های سرمایه‌های معیشت پایدار است (صرافی و شمسایی، ۱۳۹۳: ۸۴). سرمایه‌های معیشتی اساس توانمندی و قدرت دخالت جامعه محلی را در سرنوشت اجتماعی و فردی آنها بیان می‌کند زیرسرمایه‌های مذکور تعیین‌کننده و جهت‌دهنده ادارک، انتظارات و فعالیت‌های افراد و خانواده‌ها در روند زندگی به شمار می‌آید (بریمانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۶). این دارایی‌ها در مرکز معیشت پایدار قرار دارد و بر راهبردهای معیشتی تاثیرگذار است (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۰۴). بدینسان یکی از بزرگترین دغدغه‌های نظام برنامه‌ریزی در جوامع انسانی (نظیر جوامع روستایی و پیراشهری بعنوان کانون تمرکز فقرا در کشورهای درحال توسعه) تأمین معیشت خانوارها و پایداری آن است (حجی پور، ۱۳۹۹: ۱۹۹)؛ چنانچه در خصوص عوامل برهم‌زننده‌ی معیشت جامعه تدبیری اندیشیده نشود و برنامه‌ریزی صورت نگیرد، نه تنها فقر در جوامع روستایی و پیراشهری کاهش نمی‌یابد بلکه مشکلات عدیده دیگری همچون وندالیسم در فضا رشد و گسترش می‌یابد (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۹).

فضاهای پیراشهری به سبب فرآیندهای مختلف اجتماعی- فضایی سکونت‌گزینی رو به رشدی دارد (دانشپور، ۱۳۸۵). با عنایت به اینکه تحولات و رخدادهای درون فضای پیراشهرها که از فضای شهری مجاور الگو می‌پذیرند دارای کثرت فراوانی است سؤالات بنیادینی در ذهن ایجاد می‌شود اعم از اینکه وضعیت سرمایه‌های معیشتی در سکونت‌گاه‌های لبه شهری یا همان پیراشهرها چگونه است؟ و چه میزان تورم

بر معیشت پایدار سکونت‌گاه‌های پیراشهری تاثیرگذار است؟. شهر بیرجند در استان خراسان جنوبی طی دهه ۱۳۸۰ به‌عنوان مادرشهر منطقی‌های رشد شتابانی داشته که باعث شده روستاهای متعددی در حاشیه آن به طور مستقیم تحت تاثیر این گسترش فیزیکی قرار گیرد (افراخته و حجی پور، ۱۳۹۲: ۱۶۰) و به فضاهای پیراشهرنشینی مبدل شود. در این تحقیق سعی شده تا به بررسی و تحلیل اثرات تورم اقتصادی بر معیشت سکونت‌گاه‌های پیراشهر بیرجند پرداخته شود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

اکثر مردم در مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه و بسیاری در مناطق شهری درگیر مبارزه‌ای بی‌وقفه برای تامین معاش در مواجهه با شرایط نامطلوب اجتماعی، اقتصادی و اغلب سیاسی هستند (Murray, 2001)؛ خسروبیگی، ۱۳۸۸: ۱۳). مشکلات اقتصادی از جمله نبود فرصت‌های شغلی، وجود بیکاری و همچنین فقر از اهم مصائب ساختاری در سکونت‌گاه‌های مذکور بوده است که بر مهاجرت‌های روستا-شهری دامن زده است و در نتیجه آن عواقب بیشماری در فضاهای جغرافیایی بروز نموده است (دادورخانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۵).

رهیافت‌های گذشته و حال برای توسعه‌ی جوامع محلی و عبور از تنگناهای موجود از دیدگاه بسیاری از محققان و سازمان‌های عمده توسعه‌ی بین‌المللی موفقیتی در کاهش فقر نداشته و ضروری نموده که در رویکردها تغییراتی حاصل شود. در این میان، یکی از چارچوب‌هایی که می‌تواند به‌صورت جامع، راهبردهای افراد در شرایط آسیب‌پذیری، با در نظر گرفتن معیشت آن‌ها را توضیح دهد و به‌صورت یک سیستم پویا هم مداخلات خارجی و هم فعالیت ساکنان محلی / روستایی را در نظر گیرد، رویکرد معیشت پایدار روستایی است (Tang, et al., 2013). به عبارتی، رویکرد معیشت پایدار به عنوان یک فلسفه جامع و یکپارچه برای توسعه روستایی پیشنهاد شده است (طولابی نژاد و پایدار، ۱۳۹۷: ۲۰۲) این رویکرد برگرفته از نگاه انسان‌محوری جامع و یکپارچه به توسعه، با توجه خاص به همه دارایی‌ها دارد. ضمن اینکه در آن بر مردم محوری، جامعیت، پویایی، نقاط قوت و ظرفیت‌های ذاتی، پایداری و پیوندهای سطح خرد و کلان، رفع محرومیت و فقرزدایی به عنوان گام اول برای توسعه یافتگی تاکید دارد.

بدینسان، از راه‌های ناگزیر پیشرفت و جلوگیری از افزایش فقر روستاییان، توجه به وضع معیشتی خانوار روستایی است. زیرا جوامع روستایی امروزی عمدتاً با ویژگی‌هایی مانند فقر اطلاعاتی، مهارت‌های پایین، فرهنگ کارآفرینی ضعیف و نابرابری‌های قومی و قبیله‌ای روبرو هستند که تاثیر به‌سزایی در ناپایداری معیشتی آنها دارد. با توجه به فقر شدید، به خطر افتادن معیشت روستاییان، ناتوانی اقتصاد روستاییان، ناامنی غذایی، استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی، همچنین کاهش رفاه و درآمد خانوار اهمیت توجه به پایداری معیشت روستاییان، ضروری به نظر می‌رسد. مادامی که زندگی خانوار روستایی با چالش فقر در پی نبود حداقل استانداردها برای زندگی مواجه شود، موجب تحت‌الشعاع قرار گرفتن تمام ابعاد زندگی آنان می‌شود. مشکلات وسیعی در سطح گسترده از جمله مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و روانی به وقوع می‌پیوندد (حیدری ساربان، ۱۳۹۸: ۲۴؛ Ellis, 2002). به گونه‌ای که کاهش سطح رفاه و درآمد خانوارها سبب افزایش فقر و ناپایداری معیشتی چه در روستاها و چه در شهرها می‌شود و مشکلات فراوانی را به لحاظ اقتصادی ایجاد کرده است.

رویکرد معیشت پایدار که چارچوب و ابزارهایی برای درک پیچیدگی معیشت مردم و پاسخ‌های مناسب به این پیچیدگی‌ها بوده در اواخر دهه ۱۹۹۰ با هدف پیشرفت و در جهت فقرزدایی از اجتماعات روستایی به‌وجود آمد (Horsley, et al., 2015)؛ شکوری و بهرامی، ۱۳۹۳). این روش در یک قالب کلی به‌صورت «توانایی یک واحد اجتماعی به‌منظور افزایش دارایی‌ها و توانایی‌های خود در مقابله با مشکلات و شوک‌ها در طول زمان» تعریف می‌شود. معیشت پایدار در ابتدا به دنبال تشخیص و تعیین مهم‌ترین دارایی‌های معیشتی و تأثیر انواع شوک‌ها بر این دارایی‌ها است (Morse and McNamara, 2009) البته معیشت

یک پدیده ساده نیست، بلکه متصل به محیط زیست، اقتصاد، سیاست، فرایندهای فرهنگی در سطوح ملی، منطقه‌ای و حتی بین‌المللی است. می‌توان معیشت را جریان‌ی از منابع برای برآوردن نیازهای اولیه افراد، دسترسی آن‌ها به نهادهای اجتماعی در جهت داشتن یک زندگی استاندارد دانست (صادق‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳). به‌منظور تحقق معیشت روستایی در برنامه‌های توسعه‌ی پایدار روستایی، توجه به دارایی‌های پنجگانه معیشت پایدار (انسانی، اجتماعی، مالی، طبیعی و فیزیکی) جهت توفیق و تداوم برنامه‌های اجرایی ضروری است (امیری پور، ۱۴۰۰).

معیشت وسیله کسب زندگی است (Leah et al., 2013)؛ یا به تعبیری، آنچه برای زیستن مورد نیاز است همچون زندگی و زنده بودن، توانایی‌ها، دارایی‌ها نیز گفته می‌شود (Chambers, 2005: 5). در حقیقت به تمامی دارایی‌های مالی و اجتماعی مورد نیاز یک شیوه‌ی زندگی اطلاق می‌شود و زمانی پایدار خواهد بود که این قابلیت‌ها و دارایی‌ها در زمان حال و آینده حفظ و بهبود پیدا کند؛ به طوری که منابع طبیعی پایه را از بین نبرد و از بروز شوک‌ها و استرس‌ها جلوگیری و آن را مدیریت کند (Scoones, 2009) حاجی حسنی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۹۵؛ قدیری معصوم و همکاران، ۱۳۹۴: ۴؛ بادکو و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۴) که همچون کاهش فقر، حمایت اجتماعی، مقابله با طرد اجتماعی، ارتقای حقوق بشر و حتی محافظت از منابع طبیعی را در پی دارد که بنیان معیشت بسیاری از مردم در کشورهای فقیر است.

رویکرد معیشت پایدار، ما را از تفکری چندپاره و چندبخشی به سمت نگاهی جامع در مورد معیشت و توسعه‌ی روستایی هدایت می‌کند. در این چارچوب، ۵ عامل اصلی مستقل از یکدیگر نیستند، بلکه باهم تعامل دارد. این چارچوب و رویکرد همچنین در پیوند دادن روندها در سطوح کلان با واقعیات در سطوح خرد و روزمره زندگی افراد مؤثر است (Shen, 2009). محققان این رویکرد معتقدند که مردم در نواحی در حال پیشرفت و کشورهای جهان سوم، معیشت خود را در میان این مجموعه از دارایی‌ها سرمایه‌ها شکل می‌دهند و شناخت معیشت آن‌ها از طریق شناخت این چارچوب‌ها امکان‌پذیر است. رویکرد معیشتی، فقر را فراتر از ناکافی بودن درآمد می‌داند (Wedington, 2003: 3).

تمرکز بر معیشت پایدار روستایی به سه دلیل بوده است: اول اینکه پیشنهاد برای بقای جمعیت انسانی است؛ دوم اینکه شرط الزم برای کشاورزی خوب و مدیریت پایدار است و سوم اینکه ابزاری برای پیشگیری از فرایند مهاجرت شهری از روستاها است (صادق‌قلو و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۵).

در زمینه معیشت پایدار تحقیقات قابل توجهی در داخل و خارج از ایران انجام شده که اهم آن به شرح زیر است: حجتی-پور (۱۳۹۹) با بررسی و تحلیل مکانی‌فضایی وضعیت سرمایه‌های معیشتی در سکونت‌گاه‌های لبه شهر بیرجند دریافت که رشد ناپایداری و گسترش ناخرسندی‌ها در اقتصاد فضای مناطق منجر به سرریزهایی از جمعیت و نیروی انسانی مستعد در پیرامون شهرها شده است و این کانون‌ها را به محل انباشت سرمایه انسانی کم‌بنیه/کم درآمد در مناطق جغرافیایی تبدیل نموده است. با عنایت به اینکه دارایی مالی از ضعیف‌ترین نوع سرمایه‌های پنج‌گانه معیشتی در فضاهای پیراشهری است، منجر به ایجاد و دامن زدن به دیالکتیک ساخت و بازساخت «تله فضایی فقر» در مجاور کلانشهر منطقه (بیرجند) شده است. به لحاظ مکانی نیز، سکونت‌گاه‌های پیراشهری که هم دارای کمترین موانع طبیعی بر سرراه توسعه فیزیکی بوده و به لحاظ موقعیت قرارگیری در مجاورت راه‌های دسترسی اصلی بین شهری هستند، کانون جذب جمعیت مهاجر از شهر و روستاها بوده است. همچنین در این گروه از کانون‌های پیراشهری، می‌توان شاهد بالاترین میزان سرمایه‌های پنج‌گانه معیشتی در مقایسه با دیگر سکونت‌گاه‌ها بود. در خصوص شهر بیرجند نیز این‌گونه فضاهای پیراشهری عمدتاً در غرب آن تجمع یافته است.

حیدری ساربان و عبدپور (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با موضوع عوامل بهبود معیشت پایدار روستایی از دیدگاه ساکنان محلی، مطالعه موردی: شهرستان اردبیل. تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی (علوم جغرافیایی) عنوان کرد بهبود معیشت پایدار مناطق روستایی با کارآفرینی و تقویت زیرساخت اقتصادی، حمایت از طرف تقاضا

و اقدام مداخله‌ای دولت، تقویت سرمایه اجتماعی و توانمندسازی اجتماعی و مدیریت زیست محیطی و تقویت زیرساخت فیزیکی منطقه مورد مطالعه ارتباط دارد و در این راستا باید گفت که با تقویت کارآفرینی از منظر اشتغال‌زایی، افزایش درآمد، تولید ثروت، تنوع بخشی به درآمد و میزان تولیدات کشاورزی و غیر کشاورزی، کاهش ریسک معیشتی، افزایش امنیت غذایی پایدار و غیره می‌توان به معیشت پایدار روستایی کمک کرد و دولت باید با ظرفیت‌سازی و توانمندسازی جوامع روستایی و ایفای نقش تسهیلگری خود با تقویت زیرساخت آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و محیطی گام‌های اساسی در بهبود معیشت پایدار روستایی بردارد. افزون بر این، سرمایه اجتماعی سیمان و ملاط پیوند دهنده جوامع روستایی از منظر تقویت اعتماد اجتماعی، کاهش تعارضات و اختلافات، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، تقویت جامعه مدنی، مبادله اطلاعات و دانش، ارتباطات اجتماعی و افزایش آگاهی می‌باشد که با تقویت آن می‌توان زمینه بهبود معیشت پایدار روستایی را فراهم کرد. صرافی و شمسایی (۱۳۹۳) به این نتایج رسیدند که با توجه به تعبیر شش ضلعی ترسیم شده از مطالعات میدانی، دارایی‌های ششگانه ساکنان محله اسلام‌آباد در یک سطح نیستند؛ دارایی طبیعی با توجه به موقعیت جغرافیایی و باغات و فضای سبز پیرامون، بالاترین میزان دارایی ساکنان این محله محسوب می‌شود. هرچند میزان سرمایه‌ی طبیعی محله، به دلیل عوامل انسانی (از جمله رها کردن فاضلاب مربوط به شهرک در رودخانه و متقاعد شدن بوی بدان و نیز از بین رفتن برخی باغات و ساخت‌وساز در آنها)، کاسته شده است. همچنین دارایی‌های فیزیکی، انسانی، و اجتماعی محله‌ی اسلام‌آباد در حد متوسط و دارایی سیاسی و مالی در آن پایین‌تر از حد متوسط است. همچنین با توجه به گسترده بودن ابعاد فقر محیطی و انسانی در روستاها و پایین بودن قدرت اقتصادی و مالی خانوارهای روستایی که در بسیاری از موارد موجبات ناپایداری، مهاجرت و نابودی این دسته از سکونتگاه‌های جمعیتی را فراهم ساخته استو نقش مدیریت روستایی در کاهش این ناپایداری‌ها شمس الدینی (۱۳۹۵) نیز در تحلیل عملکرد اقتصادی- اجتماعی دهیاری فهلیان شهرستان ممسنی، به نقش مدیریت روستایی برای توسعه و بهبود وضعیت معیشت و اقتصاد روستائیان و رضایت‌مندی ساکنان سکونت‌گاه‌های روستایی پرداخته است. نتایج تحقیق نشان داد روستائیان از عملکرد دهیاری در زمینه تأمین نیازهای هیجانی خود همچون ارائه خدمات فرهنگی و ورزشی و صیانت از میراث فرهنگی و بهبود و تجهیز شبکه ارتباطی به منظور جذب گردشگری و سرمایه‌گذار بیش‌ترین رضایت‌مندی داشته‌اند و کم‌ترین رضایت روستائیان از عملکرد دهیاری روستا مربوط به تأمین نیازمندی‌های اساسی آنان مثل بهبود در عرصه کالبدی و بهداشتی و نظارت بر ساخت و ساز درون روستا بوده است.

اورسان^۱ و همکاران (۲۰۲۳) دریافته‌اند که شاخص‌های مهم اثرگذار بر معیشت در درون جامعه محلی شامل جنسیت سرپرست خانوار، سطح تحصیلات، اندازه خانواده، اندازه زمین، تعداد تماس‌های داخلی، استفاده از اعتبار، استفاده از ورودی، عضویت در تعاونی، دریافت حواله، مالکیت رادیو، تعداد گاوهای متعلق به خانوار کشاورز، در دسترس بودن آبیاری، ادراک کشاورزان نسبت به حاصلخیزی خاک، و درآمد سالانه است. برای دستیابی به نتایج معیشت بلندمدت/پایدار در منطقه، سیاست‌ها و اقدامات با هدف بهبود معیشت جوامع باید به دنبال توسعه زیرساخت‌های روستایی، فعالیت‌های افزایش آگاهی و همکاری سهام‌داران طراحی گردد. اتانگ^۱ و همکاران (۲۰۲۲) تاثیر تورم بالا را بر معیشت خانوارهای شهری در سودان جنوبی تحلیل کرده‌اند. مشخص شد که تورم بین سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷ تأثیر منفی شدیدی بر فقر شهری دارد که عمدتاً ناشی از افزایش قیمت‌های غیرخوراکی بوده است. تورم قیمت مواد غذایی بر میزان حضور دختران در مدارس ابتدایی و متوسطه تأثیر منفی و معنادار آماري دارد، در حالی که نزدیکی به مدرسه برای حضور دختران در مدارس بسیار مهم بوده است. افزایش قیمت مواد غذایی منجر به کاهش مشارکت نیروی کار و افزایش بیکاری در میان

۱. Orsango

ساکنان شهری شده است. تورم ناامنی غذایی و گرسنگی را تشدید می‌کند، به ویژه برای فقیرترین خانوارهایی که در برابر گرسنگی آسیب پذیرتر هستند. تورم نیز بر ادراک خانوارها از رفاه تأثیر منفی گذاشته است. نتایج تحقیق اکسو و همکاران (۲۰۱۵)، با عنوان راهبردهای معیشت خانوار وابسته به کشاورزی در سکونت‌گاه‌های کوهستانی نشان داد که متغیرهای تحصیلات، تعداد اعضای خانوار، سن سرپرست خانوار، و تعداد کارگران خانوار و شبکه‌های اجتماعی رسمی و غیر رسمی تأثیر معناداری بر معیشت خانوار داشته است. از منظر ایان (۲۰۱۵) تنوعبخشی به فعالیت‌های اقتصادی در نواحی روستایی جلوی فشار مضاعف بر منابع زیست محیطی را از منظر تخریب منابع طبیعی پایه مانند آب و خاک، حفظ تنوع زیستی و حفاظت حیات وحش گرفته و به معیشت پایدار روستایی مدد می‌رساند. تانگ^۱ و همکاران (۲۰۱۳) در یافته‌های میدانی خود به این نتیجه رسیدند که هرچه روستاییان در تصمیمگیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های پیرامون توسعه مناطق روستایی مشارکت بیش‌تری داشته باشند به همان میزان شاخص‌های معیشت پایدار مناطق روستایی بهبود می‌یابد. به زعم ادینس (۲۰۱۳) درجه مکانیزاسیون مزارع، تقویت زیرساخت اقتصادی، تقویت شبکه‌های اجتماعی، دسترسی به خدمات اجتماعی، ارائه اعتبارات بانکی و نوع روستا به لحاظ اوضاع طبیعی از متغیرهای تأثیرگذار معیشت پایدار روستایی است. مطالعات کرانتز (۲۰۰۵) نشان داد که بین دسترسی به خدمات اجتماعی، دسترسی به بازار، کیفیت منابع آب و خاکو ثبات شغلی با بهبود معیشت پایدار روستایی رابطه معناداری وجود دارد. به باور اسکونز (۲۰۱۰)، تنوعبخشی به فعالیت‌های اقتصادی، درآمد سرانه، دسترسی به منابع اطلاعاتی و دانش همگانی، بیمه محصولات کشاورزی و وضعیت زیرساخت‌های فیزیکی از متغیرهای تأثیرگذار بهبود معیشت پایدار روستایی است. چرنی و هیل^۲ (۲۰۰۹)، حاکی از آن است که بین میزان حفظ محیط زیست، ریسک‌پذیری، بهبود عملیات کشاورزی، دسترسی به منابع اطلاعاتی و توسعه امکانات حمل و نقل با بهبود معیشت پایدار روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

روش پژوهش

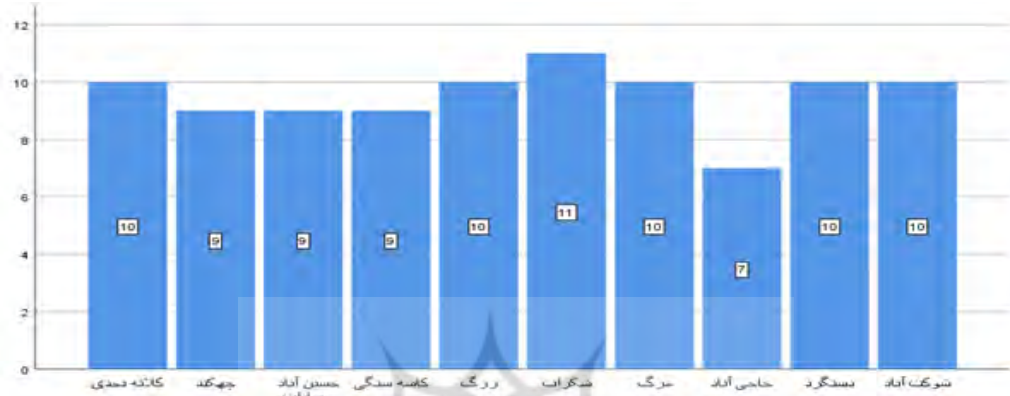
این تحقیق از نوع کاربردی و به لحاظ روش توصیفی-تحلیلی است. برای گردآوری اطلاعات در بخش نظری از روش اسنادی و در بخش میدانی از روش پیمایش مبتنی بر پرسش‌نامه استفاده شده است. در بخش نظری به مرور منابع موجود از جمله کتب، مقالات، گزارش‌های فارسی و لاتین پرداخته شد که در نهایت ابعاد و شاخص‌های مورد استفاده بدست آمد. در بخش میدانی نیز پرسشنامه‌ای در قالب طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت از سطح سکونتگاه‌های نمونه شامل روستاهای شوکت آباد، دستگرد، حاجی آباد، مزگ، شکراب، رزگ، کاسه‌سنگی، حسین آباد سادات، چهکنند و کلاته بجدی تکمیل گردید. در ابتدا با انجام پیش‌آزمون پایایی ابزار سنجش به میزان ۸۷ درصد محاسبه گردید که مبین اعتبار مناسب آن بوده است، سپس اقدام به تکمیل پرسشنامه به اندازه حجم نمونه شد. در روستاهای مورد مطالعه طبق سرشماری ۱۳۹۵ جمعیتی برابر با ۴۷۳۶ خانوار سکونت داشته که ۲۰ درصد آن یعنی برابر با ۹۵ خانوار به عنوان حجم نمونه انتخاب شد. در جامعه با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده نمونه‌ها انجام شده است. در نهایت با استفاده از نرم افزار SPSS تحلیل داده‌ها صورت گرفته است. برای انجام مقایسات آماری بین ابعاد مختلف و روستاهای مختلف از آزمون‌های ناپارامتری مانند آزمون فریدمن و کروسکال-والیس استفاده شد.

۱. Etang

۲. Cherni and Hill

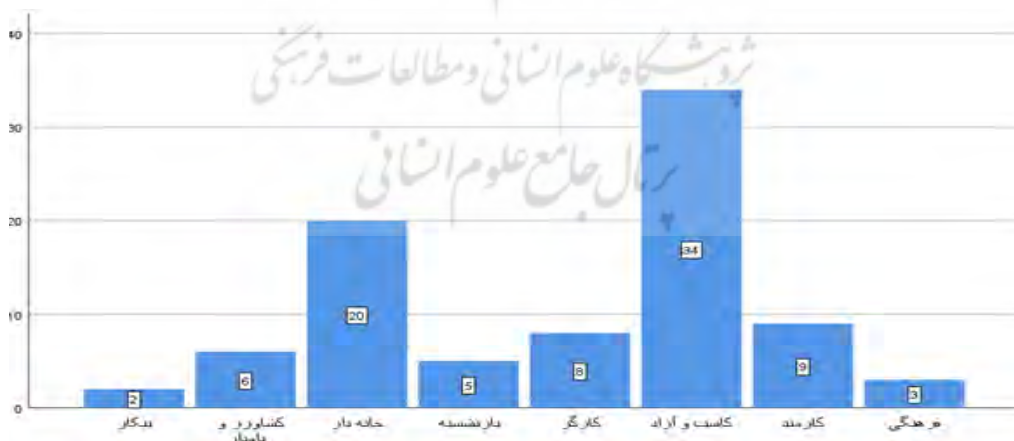
یافته‌ها و بحث

بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده، حدود ۶۵ درصد پاسخگویان مرد و بقیه زن بوده‌اند. از نظر سطح سواد هم ۳۴ نفر از پاسخگویان (۳۶ درصد) زیر دیپلم، ۳۰ نفر (۳۲ درصد) دیپلم، ۵ نفر (۵ درصد) فوق دیپلم و ۱۴ نفر (۱۵ درصد) تحصیلات لیسانس یا فوق لیسانس داشته‌اند. شکل (۱) نمودار توزیع فراوانی پاسخ‌گویان را به تفکیک روستا نشان می‌دهد.



شکل ۱. نمودار توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب روستای محل

شکل (۲) نمودار توزیع فراوانی شغل پاسخ‌گویان را نشان می‌دهد. از بین ۹۵ پاسخ‌گو ۵ نفر کشاورز یا دامدار بوده‌اند و بقیه (البته بجز ۲۰ نفری که خانه‌دار و بالطبع خانم بوده) بازنشسته، کارگر، کاسب، فرهنگی یا بازنشسته بوده‌اند. این موضوع، بطور غیر مستقیم، نشان می‌دهد که بیش‌تر پاسخ‌گویان در شهر کار می‌کنند و از روستای پیراشهری فقط بعنوان محل سکونت استفاده می‌کنند.



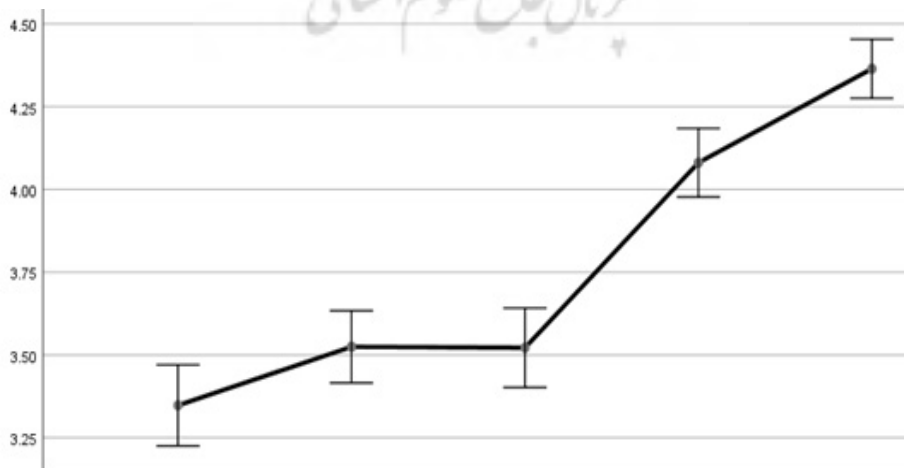
شکل ۲. نمودار توزیع فراوانی شغل پاسخ‌گویان

به منظور بررسی و مقایسه میزان تاثیر هر یک از مقوله‌های مدنظر، میانگین نمرات برای هر یک از مقوله‌ها محاسبه شده است. نتایج نشان داد که کم‌ترین میانگین نمره مربوط به «سطح سواد» (۲/۹۴) و «ظرفیت سازگاری با شرایط تورمی» (۳/۰۱) و بیش‌ترین میانگین مربوط به «پس‌انداز کردن» (۴/۵۵)

و «افزایش بدهی» (۴/۶۲) است، در نتیجه تأثیر تورم بر سطح سواد و همچنین ظرفیت پاسخ‌گویان با شرایط تورم در مقایسه با سایر موارد بسیار کم بوده و در مقابل بیش‌ترین تأثیر تورم بر پس‌انداز کردن و افزایش بدهی پاسخ‌گویان بوده است (سطر دوم جدول ۱). به منظور بررسی اینکه آیا میانگین نمره مقوله‌های مختلف از لحاظ آماری یکسانند یا اختلاف معنادار دارند، آزمون فریدمن برای کل ۳۹ مقوله (گویه) انجام شد، بعلاوه برای مقوله‌های مربوط به هر بعد آزمون فریدمن، بطور مجزا، انجام شد و نتایج این آزمون در ستون دوم جدول (۱) آمده است. نتایج نشان دهنده‌ی معنادار بودن میانگین مقوله‌ها در تمام ابعاد معیشت پایدار است. برای هر یک از ابعاد پنج‌گانه پرسش‌نامه میانگین نمره مقوله‌های مختلف محاسبه شد و دوتا از مقوله‌هایی که کم‌ترین میانگین نمره و همچنین دوتا از مقوله‌هایی که بیش‌ترین میانگین نمره را داشته‌اند در جدول (۱) آمده است. هرچه میانگین نمره یک مقوله بیش‌تر باشد نشان می‌دهد که تأثیر تورم بر آن مقوله یا پرسش بیش‌تر بوده است. مثلاً در بعد مالی بر «ثبات شغلی» و «تنوع درآمد» و بیش‌ترین تأثیر تورم بر «پس‌انداز کردن» و «افزایش بدهی» بوده است.

جدول ۱. نتایج آزمون فریدمن

بعد	آزمون فریدمن (sig)	کمترین تأثیر		بیشترین تأثیر	
		عنوان مقوله (میانگین نمره)	عنوان مقوله (میانگین نمره)	عنوان مقوله (میانگین نمره)	عنوان مقوله (میانگین نمره)
کل ابعاد	۴۶۸ (۰)	سطح سواد (۲/۹۴)	سازگاری با شرایط تورمی (۳/۰۱)	پس‌انداز کردن (۴/۵۵)	افزایش بدهی (۴/۶۲)
انسانی	۱۳۳ (۰)	سطح سواد (۲/۹۴)	نوع اشتغال (۳)	سید سلامت خانواده (۴/۱۱)	نوع تغذیه خانواده (۴/۱۹)
اجتماعی	۱۹/۹۶ (۰/۰۰۶)	عضویت در نهادهای غیررسمی (۳/۲۷)	روحیه‌ی حمایتگری در اجتماع (۳/۴۲)	روابط با خویشاوندان (۳/۶۱)	وجود نهادهای اجتماعی (۳/۷۶)
زیست محیطی	۲۴/۸۸ (۰)	کیفیت خاک در دسترس (۳/۰۴)	آگاهی از اهمیت محیط زیست (۳/۱۵)	سرانه مالکیت اراضی (۳/۵۷)	آلودگی منابع آب (۳/۵۸)
فیزیکی	۲۸/۸۱ (۰/۰۰۱)	کیفیت راه‌های دسترسی (۳/۹۲)	دسترسی به نهادهای تولیدی (۴/۰۶)	کیفیت ابنیه (۴/۱۶)	سرانه مسکونی (۴/۳۷)
مالی	۴۰/۳۳ (۰)	ثبات شغلی (۴/۱۷)	تنوع درآمد (۴/۲۶)	پس‌انداز کردن (۴/۵۵)	افزایش بدهی (۴/۶۲)

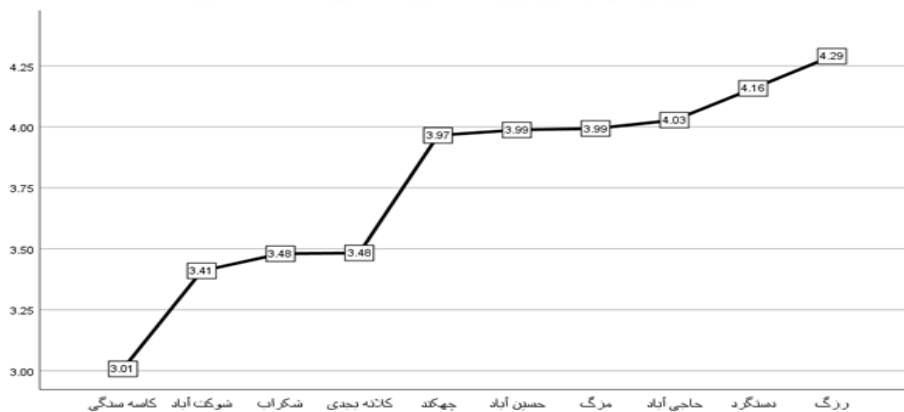


شکل ۳. نمودار میانگین نمره مقوله‌های ابعاد مختلف معیشت پایدار

به منظور مقایسه اثرگذاری تورم بر معیشت پایدار هر یک از روستاهای مورد مطالعه با استفاده از چهل مقوله پرسش‌نامه یک میانگین برای سنجش کلی اثر تورم حساب شد. آزمون برابری میانگین این شاخص در روستاها با استفاده از آزمون ناپارامتری کروسکال-والیس انجام شد. مقدار آماره آزمون ۲۶/۴۴ با سطح معناداری ۰/۰۰۲ بدست آمد که در سطح ۰/۰۵ اختلاف معناداری را نشان می‌دهد. بنابراین میانگین اثر تورم در روستاهای مختلف مورد مطالعه اختلاف معناداری دارد. جدول (۲) میانگین و انحراف معیار اثر کلی تورم را در روستاهای مختلف نشان می‌دهد. شکل (۴) تفاوت اثر تورم را در روستاهای مختلف مورد مطالعه، به ترتیب صعودی، نشان می‌دهد. از این شکل نتیجه می‌گیریم که کم‌ترین اثر تورم مربوط به روستای کاسه‌سنگی (با میانگین ۳) و بیش‌ترین آن مربوط به روستای رزگ (با میانگین ۴/۲۹) می‌باشد.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار اثر تورم در سکونت‌گاه‌های مورد مطالعه

سکونت	میانگین	انحراف معیار
کلاته بجدی	۳/۴۸	۰/۴۲
چهکند	۳/۹۶	۰/۳۵
حسین آباد سادات	۳/۹۹	۰/۶۸
کاسه سنگی	۳/۰۰	۰/۴۱
رزگ	۴/۲۹	۰/۴۳
شکراب	۳/۴۸	۰/۸۹
مزگ	۳/۹۹	۰/۷۰
حاجی آباد	۴/۰۳	۰/۳۵
دستگرد	۴/۱۶	۰/۵۲
شوکت آباد	۳/۴۱	۰/۴۳
مجموع	۳/۷۵	۰/۶۶



شکل ۴. میانگین اثر تورم معیشت پایدار در روستاهای مختلف پیراشهری بیرجند

نتیجه گیری

نتایج بدست آمده از این تحقیق تاثیر تورم بر سطح سواد و همچنین ظرفیت پاسخ‌گویان با شرایط تورم در مقایسه با سایر موارد بسیار کم نشان می‌دهد و در مقابل بیش‌ترین تاثیر تورم بر پس‌انداز کردن و افزایش بدهی پاسخ‌گویان بوده است. بنابراین بزرگ‌ترین مشکلی که تورم در روستاهای پیراشهری بیرجند ایجاد کرده کاهش پس‌انداز و نیز افزایش بدهی آنهاست، که این دوم تغییر اقتصادی همسو هستند، چرا که مردم برای گذران معیشت تمام یا بیش‌تر درآمد خود را خرج می‌کنند و حتی ممکن است نیاز به وام بانکی یا قرض از اطرافیان و خویشاوندان خود داشته باشند.

از نقطه نظر ابعاد نیز نتیجه می‌شود که تاثیر تورم بر ابعاد زیستی، انسانی و اجتماعی نسبتاً کم و حداکثر در سطح متوسط است، این در حالیست که با توجه به شکل (۳) میانگین تاثیر آن بر بعد فیزیکی و مالی از ۴ هم بیش‌تر است و بیش‌ترین تاثیر مربوط به بعد مالی با میانگین نمره حدود ۴/۴ می‌باشد، البته با توجه به اینکه تورم یک عامل اقتصادی است که سبب کاهش درآمدها و پس‌انداز می‌شود این نتیجه دور از انتظار نبود. لذا حمایت از روستائیان و ساکنین پیراشهری باید در جهت توسعه منابع پایدار درآمدی و کاهش فقر باشد.

به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت تورم سال‌های ۱۳۹۷-۱۴۰۱ با اثرگذاری بر بعد مالی سبب شده تا رخنه‌ای اساسی در سرمایه‌های معیشتی ساکنین بوجود آورد. به طوری که منجر شده تا پس‌انداز خانوارها به شدت کاهش یافته و از سوی دیگر شاهد افزایش بدهی هر خانوار باشیم. از این رو تعداد زیادی از خانوارها برای جبران بار مالی تورم بر اقتصاد خانوار، جابجایی فضایی از شهر بیرجند به مقصد پیراشهر را برگزیده‌اند. همچنین اختلاف اثر تورم بر میانگین کلی ابعاد معیشت پایدار بین روستاهای مختلف نیز معنادار بوده که بیانگر تفاوت مکانی اثر تورم بر خدشه معیشت پایدار فضا است. در نهایت برپایه نتایج به دست آمده می‌توان پیشنهادات زیر را مورد توجه قرار داد:

در تدوین برنامه‌های توسعه‌ی مناطق، اعم از سند توسعه شهرستان بیرجند و همچنین سند آمایش استان خراسان جنوبی بایستی راهبردها و برنامه‌های عملیاتی متناسب با مسئله تورم در فضاها پیراشهر دیده شود؛

باتوجه به اینکه پیراشهر بیرجند کانون تجمع اقشار و گروه‌های کم‌درآمد و بی‌درآمد است و از طرف دیگر، تقویت بنیان‌های معیشتی اهالی این سکونت‌گاه‌ها نیازمند اجرای پروژه‌های زیرساختی غیرانتفاعی است، لازم است در برنامه‌های عمرانی نهادهای حمایتی و خیریه‌ای ملی نظیر بنیاد علویان حوزه از سرزمین دیده شود.

منابع

افراخته، حسن، و حجی پور، محمد (۱۳۹۲). خزش شهری و پیامدهای آن در توسعه‌ی پایدار روستایی (مورد: روستاهای پیرامونی شهر بیرجند). جغرافیا (فصلنامه بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران)، ۱۱(۳۹)، ۱۸۵. <https://sid.ir/paper/495458/fa.158>

افراسیابی، حسین، و بهارلونی، مریم (۱۳۹۹). پیامدهای تورم در زندگی روزمره‌ی جوانان طبقه‌ی پایین. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۳-۴۴. Doi:10.22108/jas.2020.118863.1771، ۳۱(۴).

امیری پور، علی (۱۴۰۰). بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر معیشت پایدار خانوارهای روستایی در شهرستان شادگان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور همدان.

بادکو، بهروز، قاسمی سیانی، محمد، رنجبرکی، حامد شام بیاتی، علی محمد، و شکیبا، احمد (۱۳۹۹). سنجش سرمایه‌های معیشتی روستاهای مناطق کوهستانی با رویکرد معیشت پایدار (مورد مطالعه: دهستان

- کوهشاه، بخش احمدی - هرمزگان). مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی، ۱(۳)، ۶۵-۵۳.
 Dor:20.1001.1.27172325.1399.1.3.3.6 .
- باقرپور، الناز، و شاکری عباس (۱۴۰۰). بررسی ماهیت تورم در اقتصاد ایران: رویکرد همدوسی موجکی. پژوهش‌های اقتصادی ایران. doi: 10.22054/ijer.2022.63350.1036.
- بریمانی، فرامرز، راستی، هادی، رئیسی، اسلام، و محمدزاده، مسعود(۱۳۹۵). تحلیل عوامل جغرافیایی موثر بر معیشت خانوار در سکونتگاه‌های روستایی- مورد شناسی شهرستان قصرقند. جغرافیا و آمایش شهری منطقه ای، ۶(۱۸)، ۸۵-۹۰. Doi: 10.22111/gaij.2016.2370.
- جعفرزاده، بهروز. و اکبری‌فرد، حسین (۱۳۹۱). اقتصاد پول و بانک. تهران: نور علم.
- حاجی حسینی، سمیرا، مطیعی لنگرودی، سیدحسین، قدیری معصوم، مجتبی، و دربان آستانه، علیرضا (۱۳۹۸). تحلیل فضایی دارایی‌های معیشتی خانوارهای روستایی- مطالعه موردی شهرستان بوئین زهرا، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۵۱(۳)، ۶۹۳-۷۱۴. Doi: 10.22059/jhgr.2019.262783.1007747.
- حجی پور، محمد (۱۳۹۹). تحلیل مکانی - فضایی سرمایه‌های معیشتی پیراشهر بیرجند. توسعه فضاهای پیراشهری، ۲(۴)، ۲۱۹-۱۹۷. dor: 20.1001.1.26764164.1399.2.2.12.1.197-219.
- حیدری ساربان، وکیل، و عبدپور، علیرضا (۱۳۹۸). عوامل بهبود معیشت پایدار روستایی از دیدگاه ساکنان محلی (مطالعه موردی: شهرستان اردبیل). تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۹(۵۴)، ۲۳-۴۶.
 Dor: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.14.4.
- خسروبیگی، رضا (۱۳۸۸). سطح بندی پایداری سکونت‌گاه‌های روستایی (مطالعه موردی شهرستان کمبجان)، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- دادورخانی، فضیله، سلمان، محمد، فرهادی، صامت، و زارع، زهره (۱۳۹۰). حکمروایی خوب راهبردی برای کاهش فقر روستایی، نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۳(۴)، ۱۰۳-۱۲۰. <https://sid.ir/paper/177107/fa>.
- دانشپور، زهره (۱۳۸۵). تحلیل نابرابری فضایی در محیط پیراشهری (کوشش در استفاده از رهیافت برنامه‌ریزی و مدیریت راهبردی در تهران)، هنرهای زیبا، ۲۸: ۱۴-۵. <https://www.sid.ir/paper/5669/fa>.
- سجاسی قیداری، حمدالله، خیرآبادی، حمید، محمودی، حمیده، و حجیپور، محمد (۱۳۹۹). وندالیسم و حس تعلق مکانی در نواحی روستایی پیراشهر بیرجند. مسائل اجتماعی ایران، ۱۱(۱)، ۱۲۲-۸۹.
 Doi:10.29252/jspi.11.1.89.
- سجاسی قیداری، حمدالله، صادقلو، طاهره، و شکوری راد، اسماعیل (۱۳۹۵). سنجش سطح دارایی‌های معیشتی در مناطق روستایی با رویکرد معیشت پایدار (مطالعه موردی شهرستان تایباد). پژوهش و برنامه ریزی روستایی، ۵(۱)، ۲۱۵-۱۹۷. <http://jrrp.um.ac.ir/index.php/RRP/article/view/48257>.
- شکوری، علی و بهرامی، شقایق (۱۳۹۳). مطالعه‌ی تأثیر گردشگری روستایی بر کاهش فقر از منظر معیشت پایدار: مورد روستاهای قلعه نو و کلین شهرستان ری. توسعه محلی (روستایی-شهری)، ۶(۱)، ۲۴-۱.
 Doi: 10.22059/jrd.2014.52069
- شمس‌الدینی، علی (۱۳۹۵). تحلیل عملکرد اقتصادی- اجتماعی دهیاری فهلیان شهرستان ممسنی از منظر روستائیان، اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۵(۱۵)، ۲۲۰-۲۰۱. Doi: 10.18869/acadpub.ser.5.15.201.
- صادق‌زاده، مینا، اللهیاری، محمدصادق، انصاری، محمدحسین، و نژادرضایی، نیما (۱۳۹۳). تحلیل پایداری اراضی شالیکاری شهرستان رشت با استفاده از رویکرد معیشت پایدار، تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ۶(۴)، ۷۰-۵۰.
 Dor: 20.1001.1.20086407.1393.6.24.4.0.
- صادقلو، طاهره. سجاسی قیداری، حمدالله، و پالوچ، مجتبی (۱۳۹۵). توسعه‌ی معیشت پایدار روستایی، راهبردها و راهکارها. تهران: انتشارات تحقیقات آموزش کشاورزی.
- صرافی، مظفر، و شمسایی، مصطفی (۱۳۹۳). چارچوب معیشت پایدار: راهبردی برای بقا و ارتقای خانوار

livelihood sustainability in Offa district, Southern Ethiopia, *Journal of Agriculture and Food Research*, Vol. 12, 100610, <https://doi.org/10.1016/j.jafr.2023.100610>.

Scoones, I. (2009) Livelihoods perspectives and rural development. *The Journal of Peasant Studies*, 36(1), 171-196, DOI: 10.1080/03066150902820503.

Shen, F. (2009). *Tourism and Sustainable Livelihoods Approach: Application within the Chinese context*. Ph.D. thesis, Lincoln University.

Tang, Q., Bennett, S.J., Xu, Y., & Li, Y. (2013). Agricultural practices and sustainable livelihood: Rural transformation within the Loess Plateau, China. *Applied Geography*, 41(1), 15-23. <https://doi.org/10.1016/j.apgeog.2013.03.007>.

Wedington, C. (2003). *Livelihood Outcome of Migration for Poor People Development Research Center on Migration. Globalization and Poverty, Working Papers T1*.

Xu, D., Zhang, J., Rasul, G., Liu, Sh., Xie, F., Cao, M. & Liu, E. (2015). Household livelihood strategies and dependence on agriculture in the mountainous settlements in the three gorges reservoir Area, China. *Sustainability*, 7 (5), 4850- 4869. <https://doi.org/10.3390/su7054850>.

